

دسته‌بندی انواع بند متمم در ساخت‌های کنترلی زبان فارسی^۱

محمد رضا پیروز^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش در رفتار نحوی و معناشناختی ساخت‌های کنترلی، به ویژه پیش از آغاز برنامه کمینگی، فقط محدود به بررسی متمم‌های ناخودایستای مصدری می‌شد که بیشتر در زبان‌هایی مانند زبان انگلیسی یافت می‌شوند. در آن زمان، نبود بندهای مصدری و وجود بندهای دیگری مانند بندهای خودایستای التزامی در زبان‌هایی مانند زبان فارسی، که دارای این وجه دستوری هستند، کار توصیف ساخت‌های کنترلی را به عنوان یک پدیده جامع و زبان‌گذر دشوار می‌نمود. در توصیف‌های پیش از این دوران، یک ساخت کنترلی بیشتر می‌توانست فقط در ساخت مصدری (و اسم مصدری) بروز یابد که فاقد ویژگی‌های شخص، شمار، زمان، وجه، و متمم‌نما است. بررسی ساختاری انواع دیگری از بندهای متمم کنترلی، شامل انواع بندهای التزامی، بندهای اسم مصدری، و نیز بندهای غیرشخصی بیشتر هنگام بررسی این تنوع ساختاری در زبان‌های دیگری به جز

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.29315.1812

^۲ دکترای تخصصی زبان شناسی، استادیار گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه قم؛ mr-pirooz@qom.ac.ir & mrpirooz@yahoo.com

زبان انگلیسی فراهم شد. از آن جایی که زبان فارسی دارای این گونه تنوع ساختاری در بندهای متممی کنترلی خود است، نیاز به بررسی، توصیف و رده‌بندی این ساخت‌ها در این زبان بایسته می‌نماید. بر این پایه، جستار کنونی بر آن است تا دریابد در زبان فارسی بندهای متممی کنترلی در چه نوع بندهای متممی بروز می‌یابند. دستاورد این کاوش، ایجاد دسته‌بندی‌های نحوی و معناشناختی از انواع بندهای متممی کنترلی در این زبان است.

واژه‌های کلیدی: کنترل (غیر) اجباری، (نا)خودایستایی، بند التزامی، بند اسم مصدری، بند غیرشخصی، ضمیر همگانی

۱. مقدمه

بررسی ساخت‌های کنترلی همواره یکی از پرچالش‌ترین بحث‌ها در میان دستوریان زایشی بوده است. به گونه‌ای که کاوش در این ساخت‌ها از هنگام پدید آمدن نخستین انگاره‌های دستوریان زایشی تا زمان شکل‌گیری نظریه اصول و معیارها در دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه پیدا کرد و سرانجام به پیدایش نظریه‌ای با نام نظریه کنترل انجامید. از دید ساختاری، بررسی یک ساخت کنترلی مطالعه بند متممی است که در جایگاه فاعلی آن یک مقوله تهی از نوع ضمیر مستتر^۱ جای دارد. این عنصر تهی ویژگی‌های تعبیری خود را یا از یک گروه حرف تعریف واقع در جایگاه فاعل یا مفعول بند اصلی می‌گیرد و یا دارای تعبیر دل‌خواسته است. دسته نخست را کنترل اجباری می‌دانند و دسته دیگر را کنترل غیر اجباری می‌نامند. این گونه بندهای متمم در بسیاری از زبان‌ها، از جمله زبان انگلیسی، به صورت یک ساخت مصدری^۲ (و گاه اسم مصدری^۳) نمود می‌یابد. بر این مبنا، نخست گفته شد که نظریه کنترل به بررسی گروهی از ساخت‌های مصدری می‌پردازد که در آن‌ها فاعل بند متمم را یک گروه اسمی (و یا یک گروه حرف تعریف) واقع در بند اصلی کنترل می‌کند. این نبود جامعیت، توصیف ساختارهای کنترلی را در زبان‌های دیگر دشوار می‌کرد. با پیدایش برنامه کمینگی، بررسی ساخت‌های کنترلی در آثاری همچون چامسکی و لس‌نیک (Chomsky & Lasnik, 1993) با نگاهی ژرف‌نگرتر دنبال شد. در این برنامه، دو نوع نگرش رودرروی یک‌دیگر قرار گرفتند. نخست، نظریه حرکتی کنترل^۴ در آثاری چون هورنستین (Hornstein, 1999) شکل گرفت. از دیگر سو، نظریه تطابقی کنترل^۵ در آثاری مانند لندو

^۱ PRO

^۲ infinitive

^۳ gerundive

^۴ Movement Theory of Control

^۵ Agree Theory of Control

(Landau, 2001; Landau, 2013) بر پایه دیدگاه عملیات نحوی تطابق^۱ شکل گرفت.

تلاش در تردید و نیز تأیید در این دو نظریه همواره به پویایی بررسی های کنترلی افزوده است. با بررسی ساخت های کنترلی در دیگر زبان ها، اندک اندک نظریه پردازان کنترل دریافتند که متمم های مصدری تنها ساخت هایی نیستند که امکان بروز در ساخت های کنترلی را دارند. زیرا یک ساخت کنترلی می تواند در بندهای غیر مصدری نیز واقع شود. یکی از این ساخت ها، ساخت بند التزامی است که در گروهی از زبان ها مانند زبان فارسی نیز یافت می شود. با این کار، بررسی ساخت های کنترلی از انحصار گروه ویژه ای از ساخت های مصدری خارج شد و ساخت های التزامی نیز در دستور کار نظریه پردازان کنترلی، به ویژه در دو دهه اخیر قرار گرفت.

در زبان فارسی با نبود ساخت مصدری از یک سو و وجود بند خودایستای التزامی از سوی دیگر، بخش بزرگی از کاوش ها در ساخت های کنترلی فقط به بررسی ساخت های کنترل التزامی خلاصه شده است. به گونه ای که بررسی دیگر ساخت ها و بندها، مانند بندهای اسم مصدری و بندهای غیر شخصی زبان فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، و یا در کنار آثار غیر کنترلی گنجانیده شده اند. بر این اساس، یک دسته بندی از بندهای متمم کنترلی در زبان فارسی بر پایه انواع ساختمان نحوی و معناشناختی چنین بندهایی، می تواند به ایجاد یک رده بندی در ساخت های کنترلی بینجامد.

تا آن جا که نگارنده آگاهی دارد، در زبان فارسی رده بندی کاملی در شناسایی گوناگونی بندهای متمم کنترلی در زبان فارسی انجام نگرفته است. در گروهی از متمم های کنترلی زبان فارسی کاوش های درخور توجه انجام شده است؛ در گروهی دیگر، فقط چند کاوش به گونه ای پراکنده یافت می شود؛ و در گروه سومی هرگز کاوشی انجام نگرفته است. بر این پایه، در کاوش کنونی، نگارنده ناگزیر است هنگام شناسایی هر گروه از بندهای متممی کنترلی، دو روش را به کار گیرد: چنانچه آن دسته از بندها دارای پیشینه کاوش مناسبی است، وی آن پیشینه را در همان بخش بررسی نماید؛ و چون گروهی از این ساخت ها فاقد آثار پیشینه است، خود به شناسایی و توصیف آن رده پردازد.

بر این پایه، بخش های آینده این کاوش، به دسته بندی ساخت نحوی انواع بند متمم در زبان فارسی می پردازد. با توجه به اینکه بیشترین بررسی ها در پیوند با بندهای خودایستای التزامی انجام گرفته است، بخش دوم این جستار با همین دسته بندی آغاز می شود. سپس، نشان داده می شود که ساخت های ناخودایستای اسم مصدری در مواردی توان بروز در بندهای کنترلی زبان فارسی را نیز

¹ Operation Agree

دارند. این همان ساختی است که گاهی دستوریان سنتی از آن با نام *ساخت مصدری* یاد نموده‌اند. همان گونه که خواهیم دید، این نوع بندهای اسم مصدری می‌تواند در سه جایگاه اسمی در بند اصلی درونه‌ای شوند: در جایگاه مفعول بند اصلی، در جایگاه مفعول حرف اضافه، و در جایگاه فاعلی. سپس، خواهیم دید که دو جایگاه نخست، ساخت کنترلی اجباری دارد و جایگاه سوم، ساخت کنترل غیر اجباری. در بخش سوم، یک دیدگاه تعاملی میان معناشناسی و نحو ارائه خواهد شد. در این بخش، نخست بیان می‌شود که چگونه نوع ویژه‌ای از متمم‌های کنترلی، هنگامی که فعل التزامی بند متمم دارای شناسه‌های ضمیری عام و یا همگانی باشد، ایجاد می‌شود. در ادامه، دو گونه شناسه فعلی ضمیرهای همگانی، در این گونه از ساخت‌های کنترلی معرفی و توصیف خواهند شد. در ادامه این بخش، نشان داده می‌شود که دسته‌ای از متمم‌های کنترلی غیر اجباری، آن هنگام ایجاد می‌شود که ساختمان نحوی-معناشناختی آن از گونه ساخت غیر شخصی زبان فارسی باشد. در بخش چهارم، به دو بحث کوتاه نحوی در حوزه کنترل در بندهای افزوده در جایگاه‌های غیر موضوعی و ارتباط آن با رده‌بندی ساخت‌های کنترلی می‌پردازد. نخست، بندهای افزوده دارای ضمائر جای گذاشت و ارتباط آن با رده‌شناسی زبان و زبان فارسی بررسی خواهد شد. بحث دوم، بر پایه ساخت‌های افزوده زمانی و پیوند آن با ساخت‌های کنترلی خواهد بود. پیامدهای به‌دست آمده از بخش‌های دوم تا چهارم ما را به بخش پنجم خواهد کشاند که در آن بخش چند دسته‌بندی از ساخت‌های کنترلی برای نخستین بار در زبان فارسی ایجاد خواهد شد. این دسته‌بندی‌ها به صورت چند نمودار نشان داده شده‌است. افزون بر این نمودارها، یک جدول دیگر برای همین دسته‌بندی‌ها ارائه خواهد شد که در آن برای هر یک از دسته‌بندی‌های انجام شده در نمودارهای بالا، یک جمله نمونه به همراه ساخت نحوی و معناشناختی هر دسته آمده‌است.

۲. دسته‌بندی‌های نحو-محور

۱. ۲. ساخت خودایستای التزامی

بسیاری از زبان‌شناسان فارسی زبان بر این باورند که این زبان بند مصدری ندارد (برای نمونه نگاه کنید به قمشی (2001, Ghomeshi)، کریمی (2005, Karimi)، و گروهی دیگر). از سوی دیگر، زبان فارسی از بندهای دیگری با نام بندهای التزامی^۱ استفاده می‌کند. یکی از ساخت‌هایی که توان بروز در بندهای کنترلی را دارند، همین بند التزامی است. پس اختلاف میان ساخت کنترلی در نمونه (۱) در زبان انگلیسی و نمونه (۲) در زبان فارسی در پیوند با همین تفاوت است:

^۱ subjunctive clauses

1. The child prefers to sleep on the couch.

۲. بچه دوست داره که روی تخت بخوابه.

بیشتر آثار کنترلی زبان فارسی نیز محدود به بررسی همین گونه بند متمم شده است. برای نمونه، هاشمی پور (Hashemipour, 1989, p. 118) ویژگی های ساخت های کنترلی را در چند نکته زیر بیان می کند: فعل بند متمم در وجه التزامی پدید می آید و دارای پیشوند *-be-* است؛ ریشه فعلی (یا ستاک آن) از جنبه صرفی در زمان حال واقع می شود؛ و چنین فعلی اجباراً دارای پسوندهای مطابقه ای [یعنی شخص و شمار] است. انواع دیگر از بندهای متممی کنترلی در این اثر مورد بررسی نبوده است.

زبان شناسان دیگر نیز به همین موارد اشاره کرده اند. برای نمونه، درزی (Darzi, 2001, p. 21) هنگام معرفی ساخت های کنترلی خودایستا، می نویسد در ساخت های کنترلی زبان فارسی، هسته بند متمم دارای تصریف شخص و شمار است و فعل در وجه التزامی است. در همین زمینه، قمشی (Ghomeshi, 2001, p. 5) نیز بیان کرده است متمم فعل کنترلی در زبان فارسی، متمم مصدری نیست، بلکه یک متمم التزامی است و فعل آن دارای تصریف فاعلی است. کریمی (Karimi, 2005, p. 102) نیز می نویسد ساخت التزامی همان ساخت واژه پُرمايه ای را دارد که دیگر بندهای [اخباری] دارند.

پس با نگرستن به توصیف های بالا می توان گفت که فعل بند متمم ساخت کنترلی التزامی در زبان فارسی با فعل متناظر آن در زبان انگلیسی تفاوت های پایه ای دارد، به گونه ای که این فعل دارای ویژگی های ساخت واژی زیر است: نخست، این فعل دارای پیش چسب^۱ التزامی *-be-* است؛ دیگر اینکه دارای تصریف شخص و شمار است؛ و سپس دارای عنصر زمان است. به همین صورت، ساخت نحوی بند متمم نیز دارای ویژگی های نحوی دیگری است که در زبان های دارای ساخت های کنترلی مصدری مانند زبان انگلیسی یافت نمی شود. نخست، این نوع بند دارای گره^۲ زمان و گروه زمان^۳ است و در درون همین گروه زمان، ویژگی های معنایی [شخص] و [شمار] یافت می شود که به فعل واقع در گروه فعلی کوچک^۴ در فرایند نحوی عملیات تطابق می پیوندد. دیگر اینکه در حاشیه چپ^۵ بند متمم دو ویژگی دیگر دیده می شود که در یک ساخت مصدری یافت نمی شود: نخست، بند متمم دارای گروه نحوی وجه^۶ است؛ دیگر اینکه بند ایجاد شده دارای

¹ clitic

² node

³ Tense Phrase (TP)

⁴ vP

⁵ left periphery

⁶ Mood Phrase (MP)

گروه متمم‌نما^۱ با هسته‌ی که است. به کوتاه سخن، یک بند التزامی کنترلی در زبان فارسی در جمله‌ای مانند (۳ الف) زیر پدیدار می‌شود و اشتقاق نحوی آن در (۳ ب) دیده می‌شود. در زبان‌های دارای ساخت مصدری، مانند زبان انگلیسی همین بند متمم (یعنی «*to sleep on the couch*» در نمونه^۱) در بندهای مصدری ظاهر می‌شود که هیچ‌یک از ویژگی‌های بالا را ندارد. ۳. الف) حسن تصمیم گرفت که بره خونه.

ب) حسن تصمیم گرفت CP که [MoodP] ب [TP, Φ] T_{TP} [vP رَه خونه] [[[[

پس یک ساخت التزامی با یک ساخت مصدری تفاوت پایه‌ای دارد. بر این مبنا، می‌توان دو نوع زبان را در میان زبان‌های بشری شناسایی و رده‌بندی کرد: زبان‌های دارای ساخت کنترل التزامی خودایستا^۲ مانند زبان فارسی، و زبان‌های دارای ساخت مصدری ناخودایستا^۳ مانند زبان انگلیسی. این دسته‌بندی در بخش پنجم این جستار آمده‌است. البته گاهی زبان‌هایی یافت می‌شوند که هر دو گونه از این نوع تمایز را در برخی بافت‌های کنترلی دارند، مانند زبان فرانسه.

گروهی از زبان‌ها، که همانند زبان فارسی دارای ساخت کنترلی التزامی هستند، عبارتند از زبان یونانی: (آلکسیادو و همکاران (Alexiadou et al., 2012)، اسپروپولوس (Spyropoulos, 2007)، تِرزِی (Terzi, 1997; Terzi, 1992; Terzi, 1991)، روسو (Roussou, 2009)، سِودالی (Sevdali, 2009)، فیلیکی-واربورتون و کاستیمالی (Philippaki, 2009)، واربرتون و کاتسیمالی (Warburton & Catsimali, 1999)، کاپتانگیانی (Kapetangianni, 2010)؛ زبان رومانیایی: آلبویو (Alboiu, 2004; Alboiu, 2007)، آلکسیادو و همکاران (Alexiadou, 2012 et al.), جُردن (Jordan, 2009)، دابروی سورین (Dobrovie-Sorin, 1994)، گِبر و تانچولسکو (Geber & Tonciulescu, 2007)، اُشِیما (Oshima, 2003; Oshima, 2004)؛ زبان بلغاری: کِرَپوفا (Krapova, 2001; Krapova, 1998)؛ زبان مالاگاسی: پاتسدم و پالینسکی (Potsdam & Polinsky, 2007)؛ زبان لاتین سِودالی (Sevdali, 2013) و نیز شماری دیگر از زبان‌ها. بر این اساس، وجود پدیده کنترل خودایستا در بندهای کنترلی التزامی در زبان‌های گوناگون توانسته است توجه بسیاری از زبان‌شناسان زایشی حوزه بررسی‌های کنترلی را در طول برنامه کمینگی، به ویژه در دو دهه اخیر میلادی به خود جلب کند.

¹ Complementizer Phrase (CP)

^۲ در این جا، سازه‌های موجود در بند متمم به صورت کلی ارائه شده‌اند تا تصویر درستی از عناصر مربوط به ساخت بند متمم را ارائه نمایند. بنابراین، حرکت فعل به همراه ویژگی‌های فای (Φ-features) از درون گروه فعلی پوسته‌ای (vP) به جایگاه مشخص‌گر عنصر زمان (Spec, TP) و نیز جایگاه واقعی هسته در گروه وجه التزامی (Mood_{Subjunctive} P) نسبت به گروه زمان مورد بحث نگارنده نیست.

³ finite control

⁴ nonfinite control

در زبان فارسی نیز گروه بزرگی از بررسی‌های کنترلی از سال‌های آغازین دوران حاکمیت و مرجع‌گزینی تا زمان نگارش این کاوش در برنامه کمینگی، به همین دسته‌بندی، با ساخت بند متمم التزامی، اختصاص یافته‌است: از جمله پژوهش‌های هاشمی‌پور (Hashemipour, 1988; Hashemipour, 1989)، قمشی (Ghomeshi, 2001)، درزی (Darzi, 2008)، کریمی (Karimi, 2008)، طالقانی (Taleghani, 2008)، درزی و متولیان (Darzi & Motavallian, 2010)، متولیان (Motavallian, 2011; Motavallian, 2015) پیروز (Pirooz, 2008; Pirooz, 2010; Pirooz, 2011; Pirooz, 2016)، ایلخانی‌پور (Ilkhanipour, 2014)، و گروهی دیگر از کاوش‌ها.

از دید معناشناسی واژگانی، محمول‌های گوناگونی امکان بروز در این نوع ساخت کنترلی را دارند. در این میان، هاشمی‌پور (Hshemipour, 1988) فعل‌های سعی کردن، قول دادن، وادار کردن، تقاضا کردن، و پیشنهاد کردن را در دسته فعل‌های کنترلی گنجانیده‌است. وی همچنین در هاشمی‌پور (Hashemipour, 1989) چند فعل دیگر را به این جمع افزوده‌است که فعل‌های مجبور کردن، اصرار کردن، دستور دادن، اجازه دادن، و سفارش کردن از این دسته است. قمشی (Ghomeshi, 2001) نیز به بررسی پنج محمول توانستن، یادرفتن، سعی کردن، تصمیم گرفتن، و خواستن می‌پردازد که وی آن‌ها را افعال اصلی کنترلی می‌خواند. کریمی (Karimi, 2008) نیز طبقه‌بندی مختصری مبتنی بر همین نوع دسته‌بندی ارائه می‌دهد. افزون بر محمول‌های بالا، برخی دیگر از محمول‌هایی می‌توانند در این دسته از ساخت‌های کنترلی قرار گیرند که در آثار بالا نیامده‌اند. این محمول‌ها مشتمل اند بر اجازه داشتن، جرأت کردن، مجبور کردن، تشویق کردن، نصیحت کردن و توصیه کردن. بررسی کامل رفتار محمول‌هایی که توان نمود در این ساخت را دارند، موضوع جستاری جداگانه است.

در این بخش دیدیم که زبان فارسی دارای ساخت متمم التزامی است؛ به گونه‌ای که بندهای متمم کنترلی می‌توانند به جای واقع شدن در بندهای مصدری، در بندهای التزامی نیز نمود یابند. چنین بندی دارای ویژگی‌های یک بند خودایستا است. داشتن ساخت کنترل التزامی یکی از ویژگی‌های زبان فارسی است که همچنین در برخی دیگر از زبان‌ها یافت می‌شود.

۲.۲. بند ناخودایستای اسم مصدری

در این زیرشاخه، خواهیم دید که قلمرو بندهای کنترلی در زبان فارسی به بندهای متممی از گونه خودایستای التزامی، آن گونه که در بخش بالا در نظر گرفتیم، محدود نمی‌شود. زیرا ساخت‌هایی

در زبان فارسی یافت می‌شوند که ساختار نحوی و معناشناختی فعل در آن‌ها از گونه ناخودایستای اسم مصدری است. این گونه معمول در چنین بندی ساخت‌واژه‌ای اسم گونه، و نه فعل گونه دارد. افزون بر این، چنین ساختی در درون یک گروه حرف تعریف و یا حرف اضافی قرار دارد. این گونه متمم کنترلی ناخودایستا می‌تواند سه جایگاه را در بند پایه پر کند: جایگاه مفعولی بند پایه، جایگاه حرف اضافه بند پایه، و جایگاه فاعلی بند پایه. نگارنده در همین جا این سه جایگاه را به همین ترتیب بررسی خواهد نمود.

۲.۱. در جایگاه مفعولی فعل بند پایه

در این گونه ساخت، بند متمم کنترلی در جایگاه مفعولی بند پایه قرار می‌گیرد. تا آن جا که نگارنده آگاهی دارد، بررسی در مورد این ساخت‌ها فقط به گونه‌ای گذرا و در چند اثر کنترلی زبان فارسی، آن هم به گونه‌ای پراکنده آمده است. از آن جایی که این ساخت همسان دیگری در ساخت کنترلی خودایستا دارد، که ما پیش‌تر مورد بررسی قرار دادیم، این بخش را با بیان همین شباهت پی خواهیم گرفت.

نخستین اشاره به وجود بندهای کنترلی ناخودایستا در اثر قمشی (Ghomeshi, 2001) است. وی در چند سطر از پایان بررسی خود، دو جمله کمینه را، که یادآور جفت‌های کمینه در واج‌شناسی است، معرفی می‌کند. در یکی ساخت کنترل خودایستای التزامی دیده می‌شود، که در بالا معرفی شد، و در دیگری ساخت ناخودایستای اسم مصدری. قمشی می‌گوید جمله‌های بالا اساساً واگویه^۱ یک‌دیگرند، به گونه‌ای که در ساخت (۴ الف)، پس از فعل دوست داشتن، یک متمم بندی قرار دارد که دارای گونه التزامی فعل است. این در حالی است که در (۴ ب) از گونه اسنادی^۲ فعل استفاده شده است که دارای چند تفاوت با عضو دیگر این جفت است. او می‌گوید که فعل بند متمم در جمله‌ای مانند (۴ الف) پیش از فعل اصلی آمده است و با [پی چسب] را نشان‌دار شده است که نوعاً به مفعول‌های مستقیم مشخص^۳ افزوده می‌شود. آن‌گاه وی می‌افزاید که چنین ساختاری یک ساختار اسمی است و نه فعلی. قمشی (Ghomeshi, 2001) در شناسایی کنترل ناخودایستا به همین چند سطر بسنده کرده است.^۴

^۱ paraphrase

^۲ citation form

^۳ specific direct objects

^۴ موضوع اصلی مورد بررسی در این اثر، انکار وجود گروه متمم‌نما (CP) در ساخت کنترلی زبان فارسی و وجود گروه فعلی کوچک (VP) به جای آن است. این موضوع مورد بررسی نگارنده نیست.

۴. الف) سیما دوست داره [که PRO کتاب بخونه].

ب) سیما [PRO کتاب خوندن] رو دوست داره.

(Ghomeshi, 2001, p. 7)

اثر دوم، متعلق به درزی (Darzi, 2001) است که هم‌زمان با بررسی قمشی (Ghomeshi, 2001) انجام گرفته است. در بخشی از این اثر، ساخت کنترل ناخودایستا بررسی می‌شود. وی نیز مانند قمشی، دو جمله کمینه (۵) زیر را همانند جمله (۶) در دسته ساخت‌های کنترلی قرار داده است. درزی (Darzi, 2001) می‌نویسد بندهای مصدری در زبان فارسی ساختاری اسم‌گونه دارند.^۱

۵. الف) من قصد [PRO نامه نوشتن] دارم.

ب) من قصد [PRO نوشتن نامه] دارم.^۲

(Darzi, 2001, p. 22)

۶. من قصد دارم [که PRO نامه بنویسم].

(Darzi, 2001, p. 21)

پس درزی (Darzi, 2001) نیز مانند قمشی (Ghomeshi, 2001) بر این باور است که زبان فارسی افزون بر بند کنترل خودایستای التزامی، که در بخش پیشین دیدیم، دارای بند کنترل ناخودایستای اسم مصدری نیز هست.

همچنین در اثر مشکوه‌الدینی (Meshkatoddini, 2000) یک جمله نمونه از ساخت کنترلی ناخودایستا یافت می‌شود که می‌توان این جمله را نیز خودایستاسازی کرد و به گونه التزامی بازخوانی کرد:

۷. الف) بسیاری از مردم [PRO کتاب خواندن] را دوست دارند.^۳ (Meshkatoddini,

2000, p. 755)

ب) بسیاری از مردم دوست دارند که کتاب بخوانند. (خودایستای التزامی: تعمیم از ساخت

ناخودایستا)

همان گونه که مشاهده می‌شود برخی از نمونه‌های ساخت کنترل التزامی را که در این آثار آمده‌اند، می‌توان ناخودایستاسازی کرد تا ساخت اسم مصدری ارائه دهند؛ از سوی دیگر، می‌توان

^۱ درزی (Darzi, 2001) در واقع پاسخ به نعمت‌زاده (Nematzadeh, 1995) می‌نویسد که ضمیر مستتر در

ساخت‌های کنترلی ناخودایستا، ساختمانی بندواره دارد و نه اسم‌گونه. این تمایز مورد بررسی نگارنده نیست.

^۲ ترتیب اجزاء جمله در (۵ الف) و (۵ ب) متفاوت است. این تفاوت مورد بررسی نگارنده نیست.

^۳ در نمونه بالا، مشکوه‌الدینی (Meshkatoddini, 2000) از نشانه «ض» به جای نشانه PRO بهره گرفته است.

نگارنده برای حفظ یک پارچگی در نمونه بالا و نمونه‌های دیگر، نشانه PRO را به کار برده است.

نمونه‌های ساخت کنترل ناخودایستای اسم مصدری را خودایستا سازی نمود تا التزامی سازی شوند. این توان پدیدار شدن در دو ساخت خودایستا و ناخودایستا، فقط به محمول‌های قصد/داشتن و دوست/داشتن محدود نمی‌شود. محمول‌های *وادرکردن* و *تشویق کردن* نیز توانایی پدیدار شدن در دو گونه ساخت کنترلی را دارند. این در حالی است که برخی دیگر از محمول‌ها، مانند *خواستن* و *اصرار کردن* توان پدیدار شدن در ساخت بند متممی ناخودایستا را ندارند. ساخت ناخودایستا در نمونه‌های (۸ ب) و (۹ ب) در درون گروه حرف اضافی قرار دارد.

۸ الف) مادر دخترشو وادار کرد که درس بخونه.

ب) مادر دخترشو وادار به درس خواندن کرد.

۹ الف) مادر کودک را تشویق کرد که درس بخونه.

ب) مادر کودک را به درس خواندن تشویق کرد.

۱۰ الف) مادر از کودک خواست که درس بخونه.

ب) *مادر از کودک درس خواندن رو خواست.

۱۱ الف) مادر به کودک اصرار کرد که درس بخونه.

ب) *مادر به کودک درس خواندن رو اصرار کرد.

بنابراین باید گفت که توان التزامی سازی و ناخودایستاسازی بند متمم در ساخت‌های کنترلی به رفتار معناشناسی واژگانی محمول‌های کنترلی بستگی دارد. دسته‌بندی انواع محمول‌های کنترلی بر پایه معناشناسی واژگان، نیازمند انجام کاوشی جداگانه است.

ما در این بخش دیدیم که ساخت کنترلی التزامی، که یک ساخت خودایستاست، همسان دیگری در ساخت‌های کنترلی ناخودایستا دارد. در این نوع ساخت، گونه اسمی شده یک فعل (یعنی اسم مصدر) به جای فعل التزامی حضور می‌یابد. پیشتر چنین دسته‌بندی ساختاری از این نوع بند متمم کنترلی در زبان فارسی ایجاد نشده بود. همان گونه که خواهیم دید، به دلیل اینکه ضمیر مستتر در این ساخت‌ها برداشت دل‌خواسته ندارد، هر دو گونه ساخت در دسته ساخت کنترلی اجباری قرار می‌گیرند.

۲.۲.۲. در جایگاه گروه‌های حروف اضافی بند پایه

نوع دیگر از ساخت‌های کنترلی ناخودایستا، از گونه اسم مصدری هنگامی ایجاد می‌شود که بند متمم کنترلی در جایگاه حرف اضافه درون بند پایه قرار گیرد. نگارنده نخست به بررسی آثار این گروه از ساخت کنترلی می‌پردازد. هاشمی‌پور (Hashemipour, 1989) در بخش پایانی

رساله دکتری خود اشاره بسیار کوتاهی دارد به وجود ساخت کنترلی متفاوت با ساخت‌هایی که او از آغاز کار خویش بررسی کرده‌است. وی نمونه‌های (۱۲) و (۱۳) را برای نشان دادن این گونه جدید از ساخت کنترلی معرفی می‌کند. در این نمونه‌ها، یک گروه حرف اضافه که داری محمول ناخودایستای مصدری است، می‌تواند پیش فعل بند پایه در نمونه‌های (۱۲ الف) و (۱۳ الف) و یا پس از آن در نمونه‌های (۱۲ ب) و (۱۳ ب) بیاید. هردو ترتیب دارای ساخت کنترلی ناخودایستای اسم مصدری هستند.

۱۲. الف) معین_i [برا_i PRO_i غذا خوردن] خود شو می‌کشه.

ب) معین_i خود شو می‌کشه [برا_i PRO_i غذا خوردن].

۱۳. الف) معین_i از این پارچه [برا_i PRO_i ماشین تمیز کردن] استفاده می‌کنه.

ب) معین_i از این پارچه استفاده می‌کنه [برا_i PRO_i ماشین تمیز کردن].^۱

(Hashemipour, 1989, p. 304)

همان گونه که مشاهده می‌شود این نمونه‌ها نیز، مانند نمونه‌های ارائه شده در زیرشاخه گذشته، به ترتیب دارای دو ساخت خودایستای التزامی و ناخودایستای اسم مصدری هستند که این ساخت‌ها در درون گروه حرف اضافه جای دارند. هاشمی‌پور (Hashemipour, 1989) می‌نویسد جمله‌های دو گانه بالا با جمله‌هایی که خود پیش‌تر آن‌ها را بررسی کرده است تفاوت بنیادین دارد. زیرا در این جمله‌ها بند متمم می‌تواند هم در جایگاهی پیش از فعل اصلی واقع شود و هم در جایگاه پس از آن. او می‌افزاید این نکته نشان‌دهنده این دیدگاه است که نخست این ساخت‌ها یک متمم جمله‌ای نیستند، زیرا متمم جمله‌ای باید پس از فعل قرار گیرد [و نه پیش از آن]. دوم، محمول واقع در بند متمم، در این گونه جمله‌ها به صورت ناخودایستا و از گونه اسم مصدر است. بنابراین هاشمی‌پور (همان) به درستی نشان می‌دهد که بند متمم در این جمله‌ها دارای ساخت خودایستای التزامی نیست که بسیاری از جمله‌های کنترلی زبان فارسی بدان گونه نمود آوایی می‌یابند. او می‌نویسد به همین دلیل، مقوله تهی [=ضمیم مستتر] واقع در جایگاه فاعلی بند متمم بدون نشان حالت^۲ است. وی همچنین می‌افزاید که چنین الگوهایی در زبان فارسی محدودند. هاشمی‌پور (همان) به بیان همین نکته بسنده کرده‌است.^۳

^۱ برای هماهنگی با نمونه‌های دیگر، نگارنده در بیان این اثر از دو جفت کمانه و نیز نشانه PRO به دلیل ایجاد هماهنگی با دیگر نمونه‌ها بهره‌برده‌است که در خود آن اثر نبوده‌است.

^۲ not case-marked

^۳ در هاشمی‌پور (Hashemipour, 1988; Hashemipour, 1989) وجود عملگر تهی در ساخت‌های کنترلی التزامی زبان فارسی بر پایه یک انگاره در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی پی گرفته شده‌است که بعدها مورد نقد قرار گرفته‌است.

در اثر درزی (Darzi, 2001) نیز نمونه‌های دیگری به نقل از نعمت زاده (Nematzadeh, 1995) آمده‌است، که ساختی متفاوت از نمونه‌های پیشین وی دارد که نگارنده آن‌ها را در بخش پیشین دنبال کرده‌است. در این مثال‌ها، بند متمم یکی از جایگاه‌های موضوعی را، که با گروه‌های حرف اضافی اشغال می‌شوند پر کرده‌است. این جمله‌های کنترلی در نمونه‌های (۱۴) و (۱۵) ارائه شده‌اند، که نگارنده ساخت نحوی را به آن‌ها افزوده‌است. مشکوه‌الدینی (Meshkatoddini, 2000) نیز فقط نمونه (۱۶) را ارائه نموده‌است، که متمم کنترلی در درون جایگاه حرف اضافی بند پایه جای دارد. معین زاده و مصفا جهرمی (Moinzadeh & Mosaffa-Jahromi, 2009) نیز در زمینه ساخت کنترول در جایگاه‌های گروه حرف اضافی بند اصلی دو جمله (۱۷) و (۱۸) زیر را آورده‌اند:

۱۴. دولت باید [با PRO_i افزایش (دادن) دستمزدها]] از کارگران حمایت کند.

۱۵. من [از PRO_i دروغ (گفتن) های وی]] خسته شدم.

۱۶. من از [PRO کتاب خواندن] خسته نمی‌شوم.

۱۷. مینا تلاش کرد به رفتن.

۱۸. مینا مینو را دعوت کرد به رفتن.

در این جا بار دیگر با ناخودایستاسازی محمول در بندهای خودایستای کنترلی که در وجه التزامی آمده بودند، به نکته‌ای دست می‌یابیم. بر این مبنا که گونه دیگر ساخت ناخودایستای اسم مصدری، هنگامی ساخته می‌شود که بند متمم کنترلی در جایگاه گروه حرف اضافه بند پایه باشد. حرف‌های اضافه سازنده این ساخت‌ها شامل برای، با، از و به هستند. این جایگاه در بند، یک جایگاه اسمی است. بنابراین، قرار دادن یک بند التزامی در این جایگاه سبب نادرستی شدن این ساخت‌ها می‌شود که در نمونه‌های (۱۹) تا (۲۵) زیر دیده می‌شوند.

۱۹. *معین برا غذا بخوره خودشو می‌کشه.

۲۰. *معین از این پارچه برا ماشین تمیز بکنه استفاده می‌کنه.

۲۱. *دولت باید با افزایش بدهد دستمزدها از کارگران حمایت کنه.

۲۲. *من از دروغ بگوید او خسته شدم.

۲۳. *من از کتاب بخوانم خسته نمی‌شوم.

۲۴. *مینا تلاش کرد به برود.

۲۵. *مینا مینو را دعوت کرد به برود.

بنابراین دیدیم که جایگاه دیگری که یک متمم کنترلی می تواند در جمله پر کند، جایگاه حرف اضافه بند اصلی است. همان گونه که خواهیم دید، به دلیل اینکه ضمیر مستتر در این ساخت ها فاقد برداشت دل خواسته است، نوع کنترلی این گونه از ساخت ها از گونه کنترل اجباری است.

۲.۲.۳. در جایگاه فاعلی بند پایه

در یک ساخت کنترلی، چنان چه بند متمم در جایگاه فاعلی بند پیرو قرار گیرد، ساخت کنترلی ایجاد شده، در این گروه از ساخت های کنترلی جای می گیرد. نمونه هایی از این گونه ساختاری، در چند اثر کنترلی زبان فارسی یافت می شود ولی در هیچ یک از آن ها دسته بندی ساختاری بند متمم - همان گونه که نگارنده آن را در این جستار دنبال می کند - دیده نمی شود. نخست، درزی (Darzi, 2001) به هنگام بررسی ساخت کنترل ناخودایستا، چند نمونه ارائه کرده است که در آن ها بند متمم در جایگاه فاعلی بند اصلی جای دارد.

۲۶. [PRO_{Arb} رفتن به دانشگاه] فایده نداره.

۲۷. [PRO_{Arb} صحبت کردن پشت سر او] خوب نیست.

۲۸. [PRO_{Arb} نامه نوشتن] دو ساعت طول می کشه.

۲۹. [به استاد PRO_{Arb} تلفن زدن] درست نیست.^۱

در همین راستا، کریمی (Karimi, 2008) نیز فقط نمونه زیر را از حوزه کنترل دل خواسته ارائه نموده است که وی آن را دارای ساخت اسم مصدری^۲ می داند. بند متمم کنترلی در این نمونه نیز در جایگاه فاعل بند اصلی قرار دارد.^۳ چند مورد دیگر در برخی از آثار دیگر آورده شده اند که نگارنده برای کوتاه شدن بحث از آوردن آن ها پرهیز کرده است.

۳۰. [PRO_{Arb} کار کردن در این شرایط] سخته.

^۱ این نمونه، برای همسان سازی با نمونه های دیگر در این اثر اندکی دگرگون شده است تا با نمونه های دیگر یکسان شود. در درزی (Darzi, 2001)، این نمونه به صورت زیر آمده است:

الف. تلفن به استاد زدن درست نیست.

در این اثر نشان داده شده که در جمله های دارای فعل مرکب، امکان جدایی سازه اسمی از عنصر فعلی وجود دارد. بحث بررسی جدایی پذیری در فعل های مرکب - آن گونه که نگارنده در این جا پی می گیرد - به دسته بندی ساخت های کنترلی مرتبط نیست.

^۲ nominal infinitive

^۳ کریمی (Karimi, 2008) در این اثر به نقد و بررسی دو پدیده ارتقا و کنترل در زبان فارسی می پردازد که مورد بررسی نگارنده نیست.

نمونه‌های بالا در یک ویژگی اشتراک دارند: بند متمم در جایگاه فاعل بند اصلی قرار دارد. نگارنده برای سادگی نمایش، بندهای متمم را در این نمونه‌های در درون جفت کمانه قرار داده است. در این نوع ساخت، ضمیر مستتر از جنبه معنایی به فرد یا گروه خاصی بر نمی‌گردد؛ بنابراین، این مقوله تهی در این ساخت‌ها دارای تعبیر دل‌خواسته^۱ است. از نگاه ساختاری، جایگاه فاعلی بند متمم در دامنه سازه-فرمانی^۲ هیچ عنصر کنترل‌گری نیست و ضمیر مستتر فاقد هم‌نمایگی مشترک^۳ میان خود و عامل کنترل‌گر خود است. پس این گونه ساخت کنترلی، یک ساخت کنترول غیر اجباری است.

از دید ساختمان بند متمم، تمام نمونه‌های این زیرشاخه، ساخت ناخودایستای اسم مصدری دارند. به دلیل قرار گرفتن بند متمم در جایگاه فاعلی بند پایه، و همچنین به دلیل اینکه ضمیر مستتر فاقد ارجاع است، این ضمیر دارای برداشت دل‌خواسته است. بنابراین، ساخت کنترلی این گونه از متمم‌ها، از گونه کنترول غیر اجباری است. همان گونه که در زیربخش (۲-۳) خواهیم دید، التزامی‌سازی بند متمم در این ساخت‌ها، گونه جدیدی را از ساخت کنترلی در زبان فارسی ایجاد می‌کند. به همین دلیل، این پدیده التزامی‌سازی را تا زیربخش (۲-۳) دنبال نخواهیم کرد.

۳. دسته‌بندی‌های نحوی-معناشناختی

۳.۱. بندهای دارای مؤلفه معنایی همگانی

تا آن جا که نگارنده آگاهی دارد، در زبان فارسی در حوزه ساختمان بند متممی که در آن‌ها مؤلفه معناشناختی عام یا همگانی^۴ و ارتباط آن با بندهای متمم کنترلی باشد، کاوشی انجام نگرفته است. بنابراین، نیاز است نخست به معرفی این مؤلفه معناشناختی بپردازیم. بر اساس فرهنگ زبان‌شناسی و آواشناسی کریستال (Crystal, 2008)، یک ریشه واژگانی و یا یک محمول هنگامی دارای برداشت همگانی به شمار می‌آید. این برداشت به تمام اعضای آن دسته برگردد و نه به یک عضو خاصی از آن دسته. در زبان فارسی، چنان‌چه یک محمول (از گونه فعلی آن)، دارای شناسه دوم شخص مفرد و یا سوم شخص جمع باشد، ممکن است دارای برداشت همگانی باشد. استفاده از دوم شخص مفرد نشان‌دهنده برداشت همگانی فراگیر^۵ است، یعنی گوینده را نیز در بر می‌گیرد،

¹ arbitrary reading

² c-command

³ co-indexation

⁴ generic

⁵ inclusive

مانند (نمونه ۳۱). این در حالی است که استفاده از سوم شخص جمع نشان دهنده برداشت همگانی فروگذار^۱ است، یعنی گوینده را در بر نمی گیرد، مانند (نمونه ۳۲).

۳۱. اگه تند بری جریمه می شی.

(می شی دارای شناسه دوم شخص مفرد: هم گوینده و هم شنونده جریمه می شوند)

۳۲. شمال برنج / مرکبات / کیوی کشت می کنن.

(می کنن دارای شناسه سوم شخص جمع: گوینده کشت نمی کند)

با همین شناسایی کوتاه از مؤلفه معنایی همگانی، اکنون شناسایی دسته دیگری از انواع ساخت های کنترل غیر اجباری را با یک پرسش آغاز می کنیم: آیا ساخت کنترل ناخودایستای اسم مصدری^۲، می تواند ساخت های کنترلی متناظری با استفاده از ساخت خودایستای التزامی^۳ داشته باشد یا خیر؟

به این منظور، ناگزیریم جمله هایی (۲۶) تا (۳۰) را، که دارای ساخت ناخودایستا هستند، در ساخت های خودایستای التزامی فارسی بازنمایی کنیم. پیامد این کار، جمله هایی از این دست خواهند بود که ساخت کنترلی غیر اجباری دارند و در آن ها برداشت همگانی، هم از گونه فراگیر و هم فروگذار، یافت می شود:

۳۳. [PRO_{Arb} دانشگاه بری] فایده نداره.

۳۴. [PRO_{Arb} پشت سر کسی حرف بزنی / بزنین] خوب نیست.

۳۵. (اگه) [PRO_{Arb} (بخوای) نامه بنویسی] دو ساعت طول می کشه.

۳۶. [به استاد PRO_{Arb} پیامک بزنی / بزنین] درست نیست.

۳۷. [PRO_{Arb} توی این شرایط کار کنی / بکنی / بکنن] خیلی سخته.

پیش از ادامه بحث، لازم است که استدلال شود در ساخت هایی مانند نمونه های (۳۳) تا (۳۷)، مقوله تهی واقع در جایگاه فاعلی بند پیرو یک ضمیر ناملفوظ^۴ نیست که در زبان فارسی به گونه ای زایا یافت می شود. بلکه یک ضمیر مستتر است که در یک ساخت کنترلی دیده می شود.

این تحلیل کنترلی بودن ساخت های این رده از ساخت ها را به هنگام ارائه جفت های کمینه (۴) و (۵) مشاهده شد که چگونه این ساخت های کمینه هر یک واگویه دیگری است. اکنون نیز می توان استدلال کرد چنانچه ساخت هایی مانند نمونه های (۲۶) تا (۳۰) ساخت های کنترلی اند،

^۱ exclusive

^۲ همان گونه که ساخت کنترل ناخودایستای اسم مصدری در بندهای فاعلی در زیربخش (۳-۲-۲) بررسی شد.

^۳ مانند آن چه در ساخت کنترل خودایستای التزامی در بخش (۱-۲) آورده شد.

^۴ pro

ساخت‌های متناظر آن‌ها در این زیرشاخه در نمونه‌های (۳۳) تا (۳۷) همچنین کنترلی‌اند و در جایگاه فاعلی بند پیرو یک ضمیر مستتر با نمایه «PRO» قرار دارد. افزون بر این، دو دلیل، یک دلیل دیگری بر پایه وجود صیغگان ناقص در این گونه ساخت‌ها است که در همین جستار به آن اشاره خواهد شد (نگاه کنید به جمله (۳۹) و استدلال‌های همراه آن). همچنین، ویژگی‌های تعبیری این مقوله تهی بر گرفته از پیروز (Pirooz, 2010) بر پایه آثار لندو (Landau, 2001) و هورنستین (Hornstein, 2003) بررسی شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این عنصر نحوی یک ضمیر مستتر با خوانش دل‌خواسته است که ما آن را در نمونه‌های مورد بررسی با نمایه PRO_{Arb} نشان داده‌ایم.

از دید نحو، نمونه‌های ارائه شده در این رده داری ساخت کنترل اجباری اند که ضمیر مستتر در آن‌ها دارای تعبیر دل‌خواسته است. افزون بر آن، بند متمم در این نوع ساخت‌ها ساختار یک بند التزامی را دارد. از دید معناشناسی، توصیف ساختاری این رده از ساخت‌های کنترلی نیازمند دو نکته دیگر است: نخست جمله‌های ایجاد شده فقط در گونه محاوره‌ای و غیر رسمی زبان فارسی رایج اند و در گونه رسمی و نوشتاری زبان فارسی یافت نمی‌شوند. نکته دیگر اینکه در این جمله‌ها، برداشت کنترلی هنگامی درست می‌شود که شرایط زیر در جمله حاکم باشد:

۳۸. شرایط ساختاری کنترل در بندهای دارای مولفه همگانی

یکم. بند متمم فاقد فاعل آشکار باشد.

دوم. بند متمم یا دارای شناسه دوم شخص مفرد باشد و یا سوم شخص جمع.

الف) در صورتی که شناسه فعل در چنین ساخت‌هایی به صورت دوم شخص مفرد باشد، آن‌گاه دارای تعبیر همگانی فراگیر است (یعنی هم فرد گوینده را در بر می‌گیرد و هم افراد دیگر را).

ب) در صورتی که فعل بند متمم دارای شناسه سوم شخص جمع باشد، دارای تعبیر همگانی غیر فراگیر است، (یعنی فقط گروهی از افراد غایب را در بر می‌گیرد).

بند اول این شرایط به درستی بیان می‌کند که وجود هرگونه فاعل آشکار، این برداشت کنترلی را از میان می‌برد. بنابراین، ساخت جمله (۳۹) زیر دستوری است، اما برداشت کنترلی ندارد. جای گرفتن فاعل ضمیری آشکار تو در این ساخت سبب از میان رفتن ضمیر مستتر در این ساخت می‌شود. همین گونه خوانش در نمونه‌های (۳۴) تا (۳۷) نیز می‌شود.

۳۹. تو/ شما دانشگاه بری فایده نداره.

(دارای ضمیر آشکار: ساخت غیر کنترلی؛ فاقد ضمیر مستتر)

بند دوم این شرایط بیان می‌کند که ساخت‌های مورد اشاره زمانی دستوری اند که نخست، نظام ضمایرشان منطبق با نظام ضمایر همگانی در زبان‌ها باشد تا بتوانند از جنبه معناساختی دارای برداشت دل‌خواسته باشند. بر این مبنای، این نوع جمله‌ها در حوزه کنترل غیر اجباری زبان فارسی جای می‌گیرند. بنابراین، دستوری بودن جمله‌های کنترلی بالا به درستی نشان می‌دهند که این گونه از بندهای خودایستای التزامی می‌توانند همانند متمم‌های ناخودایستای اسم مصدری عمل کنند. همچنین این گونه از بندها می‌توانند ساخت‌های کنترلی غیر اجباری را با استفاده از بند متمم التزامی بسازند. بررسی بیشتر رفتار نحوی و معناساختی این نوع ساخت کنترلی نیازمند کاوشی جداگانه است.

۳.۲. بندهای دارای ساخت نحوی-معناساختی غیر شخصی

زبان فارسی دارای ساخت‌های ویژه‌ای است که از آن با نام ساخت‌های غیر شخصی^۱ یاد می‌شود. کاوش‌های بسیاری در حوزه ساخت‌های غیر شخصی در زبان فارسی انجام گرفته‌است (برای نمونه نگاه کنید به مقاله نجفیان و واحدی لنگرودی (Najafian & Vahedi-Langrudi, 2003) و منبع‌های اشاره شده در آن)، اما در حوزه ارتباط میان این ساخت دستوری و معنایی و ساخت‌های کنترلی زبان فارسی کاوش مستقلی انجام نگرفته‌است. ساخت‌های غیر شخصی بیشتر نیز در دستور سنتی بررسی شده‌است و در آن این ساخت‌ها با نام ساخت‌های مصدری مرخم^۲ نام برده شده‌اند.

از میان بررسی‌های انجام شده در ساخت‌های غیر شخصی زبان فارسی، چند کاوش به بررسی ساخت‌های غیر شخصی و ارتباط برخی از آن‌ها با ساخت‌های کنترلی پرداخته‌اند. نخست، هاشمی‌پور (Hashemipour, 1989) در برگه‌های پایانی رساله خود اشاره به ساخت کنترلی [غیراجباری] ویژه‌ای می‌نماید که نشانگر ساخت غیرشخصی زبان فارسی است.

۴۰. نباید [PRO_{Arb} در مسجد کفش پوشید].

۴۱. نتوان [PRO_{Arb} این لکه را بدون آب تمیز کرد].^۳ (Hashemipour, 1989, p. 306)

هاشمی‌پور (Hashemipour, 1989) می‌نویسد از آن جاکه فعل پوشیدن و تمیز کردن در این دو جمله فاقد نشانه‌های شخص و شمارند، چنین ساخت‌هایی یک ساخت غیر شخصی است.

^۱ impersonal constructions

^۲ curtailed infinitive

^۳ همچنین می‌توان گفت: ۱. نمی‌توان این لکه را بدون آب تمیز کرد.

وی می‌افزاید که *توان* در گونه رسمی زبان فارسی یافت می‌شود و *باید* [و *نباید*] هم در ساخت‌های رسمی و هم غیر رسمی و گفتاری زبان فارسی پدیدار می‌شوند. هاشمی پور فقط به آوردن همین نکته بسنده کرده‌است و تحلیل خاصی از این ساخت‌ها نیز ارائه ننموده‌است.

طالقانی (Taleghani, 2005) نیز هنگام بررسی ساخت‌های کنترلی، چند نمونه از ساخت کنترل غیر اجباری آورده‌است که دارای ساخت‌های غیر شخصی‌اند که در این جا بیان شده‌اند.

۴۲. باید حقیقت را گفت.

۴۳. می‌شه حقیقت را گفت.

۴۴. باید شیشه را با احتیاط شست.

۴۵. باید غذا را خورد.

او این جمله‌ها را جمله‌های کنترلی می‌داند که ضمیر مستتر در آن‌ها دارای تعبیر دل‌خواسته است. وی جایگاه این عنصر پنهان نحوی را به گونه‌ای مشابه ساخت نمونه (۴۶) می‌داند. برای حفظ سادگی، از بیان برخی جزئیات نامربوط به بحث حاضر، پرهیز شده‌است. وی نیز رده‌بندی خاصی از این ساخت‌ها ارائه نکرده‌است.^۱

۴۶. باید/ می‌شه [PRO_{Arb} حقیقت را گفت].

زبان‌شناس دیگری که در حوزه ساخت‌های غیر شخصی زبان فارسی پژوهش نموده، کریمی (Karimi, 2008) است. وی نیز در بحث ساخت‌های ارتقایی و کنترلی خود چند نمونه دربردارنده ساخت غیر شخصی دارد. کریمی (همان) می‌نویسد که از آن جاکه فعل در این ساخت‌ها فاقد نشان مصدری *تن/دن* است، این گونه ساخت‌ها، «ساخت‌های مصدری کوتاه^۲» نام دارند. از آن جا که نمونه‌های ارائه شده در این اثر شباهت ساختاری و معناشناختی زیادی با مثال‌های اثر طالقانی (Taleghani, 2005) دارند، از تکرار این ساخت‌ها در این جا پرهیز شده‌است.

بر پایه یافته‌های زبان‌شناسان مورد اشاره، می‌توان رده‌بندی جدیدی را در پیوند با انواع ساخت‌های کنترلی ایجاد کرد. گروهی از ساخت‌های کنترلی هنگامی ایجاد می‌شوند که در آن‌ها بند متمم یک بند غیر شخصی باشد و این بند خود در جایگاه فاعلی بند پایه درونه‌ای شده باشد. فعل در چنین بندی، فاقد شناسه‌های شخص (و شمار) است. ضمیر مستتر در این ساخت‌ها که در

^۱ موضوع مورد بررسی در این اثر، تفاوت‌های ساختاری میان ضمیر مستتر از نوع اجباری با ضمیر مستتر از نوع دل‌خواسته است که با موضوع مورد بررسی جستار حاضر تفاوت دارد.

^۲ short infinitive

جایگاه فاعلی بند متمم جای دارد، دارای برداشت همگانی است که با نمایه PRO_{Arb} نشان داده شده‌اند. به همین سبب، ساخت کنترلی ایجادشده، از گونه کنترول غیر اجباری است.

۴. ساخت کنترلی در بندهای افزوده

۴.۱. ساخت‌های دارای ضمیر جای گذاشت

تا آن جا که نگارنده آگاهی دارد، بررسی آثار نویسنده‌های فارسی زبان در ساخت‌های کنترول غیر اجباری کاوشی را در بندهای افزوده نداشته‌است. بنابراین، این زیرشاخه نیز فاقد بررسی آثار پیشین است. بر این پایه، مجبور خواهیم بود خود به ایجاد نمونه‌هایی در این زمینه پردازیم. نخستین موردی را که لندو (Landau, 2013) در زمینه کنترول در بندهای افزوده معرفی کرده‌است، بندهای افزوده‌ای است که فرآورده فرایند نحوی جابجایی اند^۱. در زبان انگلیسی این نوع ساخت‌ها با حرکت یک بند فاعلی به جایگاهی در پایان جمله و سپس جایگزین شدن جایگاه فاعل تهی درست شده با فاعل تهی^۲ it ایجاد می‌گردد. برای این موارد، لندو (Landau, 2013) نمونه زیر را ارائه کرده‌است که حاصل فرایند نحوی جای گذاشت ضمیر تهی است.

47. I never understood why it is bad for health [PRO_{Arb}. to stuff oneself with marshmallows].

(Landau, 2013, p. 232)

پیش از ادامه بحث باید گفت که از دید رده شناسی، زبان فارسی در رده زبان‌های جای-گذارنده این گونه ضمیر تهی نیست. پس چنین جابه‌جایی نحوی صورت نمی‌گیرد. با این وجود اگر این جابه‌جایی انجام نگیرد، ساخت بند متمم دارای همان ساخت بند فاعلی خواهد بود که در بحث ساخت کنترول ناخودایستا - از آن گونه‌ای که بند متمم در جایگاه فاعلی بند اصلی جای می‌گرفت - مورد بررسی قرار گرفت. پس جمله‌های زیر به ترتیب با ساخت خودایستای التزامی در فارسی رسمی و نوشتاری و با ساخت ناخودایستا در فارسی غیر رسمی و گفتاری درست است.

۴۸. الف. هیچ‌گاه از خود نپرسیدم [(که) چرا] PRO_{Arb}. چای خوردن زیاد [برای سلامتی ضرر دارد].

ب. هیچ‌گاه از خودت نپرسیدی [(که) چرا] PRO_{Arb}. زیاد چایی بخوری / بخورن [برا سلامتی ضرر دارد].

¹ extraposition

² it-expletive

همچنین این عنصر تهی با نام‌های دیگری مانند «dummy subjects/pronouns»

و نیز «pleonastic pronouns/subjects» شناخته می‌شود.

از سوی دیگر، به سبب نبود این جابه‌جایی، زبان فارسی فاقد نظام ضمائر تهی، مانند *it* در ساخت (۴۷) است. پس معادل ساختاری این جمله‌ها نمی‌تواند در زبان فارسی دارای درست باشد. بنابراین، ساخت‌هایی مانند معادل‌های ساختاری جمله‌هایی از این دست، که در نمونه (۴۹) آمده‌اند، غیر دستوری‌اند. زیرا زبان فارسی کنترل افزوده با ضمائر تهی مشابه با/ین و آن جای‌گذاری را ندارد. این فقدان، مرتبط با گروه زبان‌های ضمیرانداز است که زبان فارسی از آن رده است.

۴۹. الف. *هیچ گاه از خودم نپرسیدم [(که) چرا] این‌جای‌گذاشت/آن‌جای‌گذاشت برای سلامتی ضرر داره [PRO_{Arb} خوردن زیاد چای].

ب. *هیچ گاه از خودت نپرسیدی [(که) چرا این‌جای‌گذاشت/اون‌جای‌گذاشت برا سلامتی ضرر داره (که) [PRO_{Arb} زیاد چایی بخوری/بخورن]].

۲.۴. بندهای افزوده زمانی

مورد دیگری را که لندو (Landau, 2013) در زمینه کنترل در بندهای افزوده معرفی کرده‌است، ساخت کنترل غیر اجباری در بندهای افزوده (شامل بندهای افزوده زمانی^۱ و دیگر بندهای افزوده) است؛ هنگامی که چنین ساختی بتواند در جایگاه آغازین و یا غیر آغازین جمله واقع شود. این نوع ساخت کنترلی در زبان فارسی یافت می‌شود که با نمونه‌های زیر مبتنی بر ساخت جمله‌هایی مشابه جمله‌های در لندو (Landau, 2013, p. 232) نشان داده می‌شود.

۵۰. [بعد از PRO_{Arb} چادر زدن] تاریکی همه جا را فرا گرفت.

۵۱. [با/ بدون PRO_{Arb} سرمایه‌گذاری (کردن) در منابع اقتصادی و انسانی] پیشرفت صورت نمی‌گیرد.

۵۲. سیب زمینی [با/ بعد از PRO_{Arb} پختن] خوشمزه تر می‌شه.

۵۳. مطمئنم [پس از/با/ بدون PRO_{Arb} خواندن تک تک صفحات این پرونده] مشخص می‌شه که وزیر کارایی لازم رو نداشته.

این ساخت‌ها نیز ساخت‌های متناظر خودایستای التزامی دارند. این موارد فقط در صورت وجود محمول‌ها و یا گزاره‌های همگانی (هم فراگیر و هم فروگذار) - که در بخش (۳) آورده شدند - در فارسی گفتاری و غیر رسمی یافت می‌شوند:

۵۴. سیب زمینی [بعد از اینکه PRO_{Arb} پزی/پزن] خوشمزه تر می‌شه.

¹ temporal

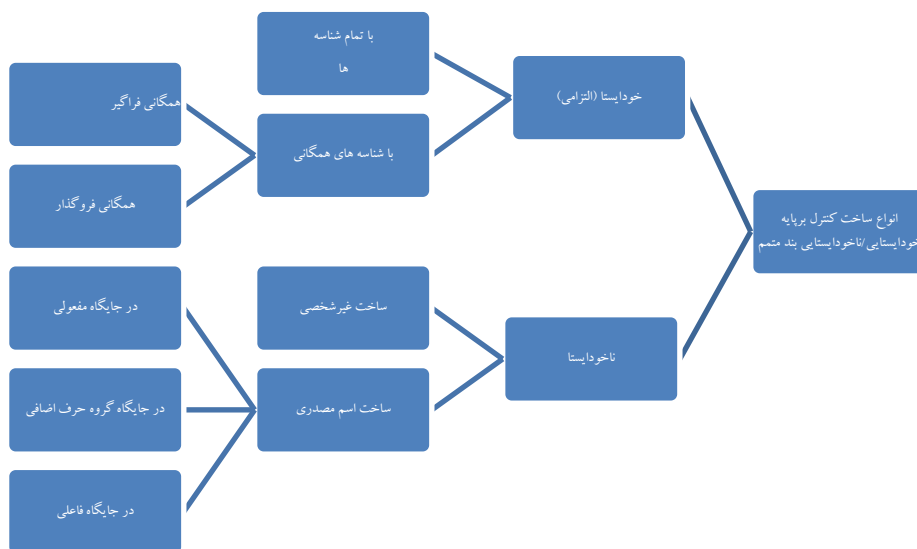
۵۵. مطمئنم [بعد از اینکه PRO_{Arb} تک تک صفحات این پرونده رو بخونی/بخونی] مشخص می شه که وزیر کارایی لازم رو نداشته.

در این بخش به اختصار دیدیم که زبان فارسی فاقد بندهایی است که حاصل جای گذاشت ضمیر تهی است. هر چند زبان فارسی دارای بندهای افزوده او نوع افزوده های زمانی است که پیش تر از آن سخن به میان آمد. بررسی بیشتر این رده از ساخت های کنترلی نیازمند کاوشی جداگانه است.

۵. پیامدهای بررسی ساختار نحوی و معناشناختی بند متمم در زبان فارسی

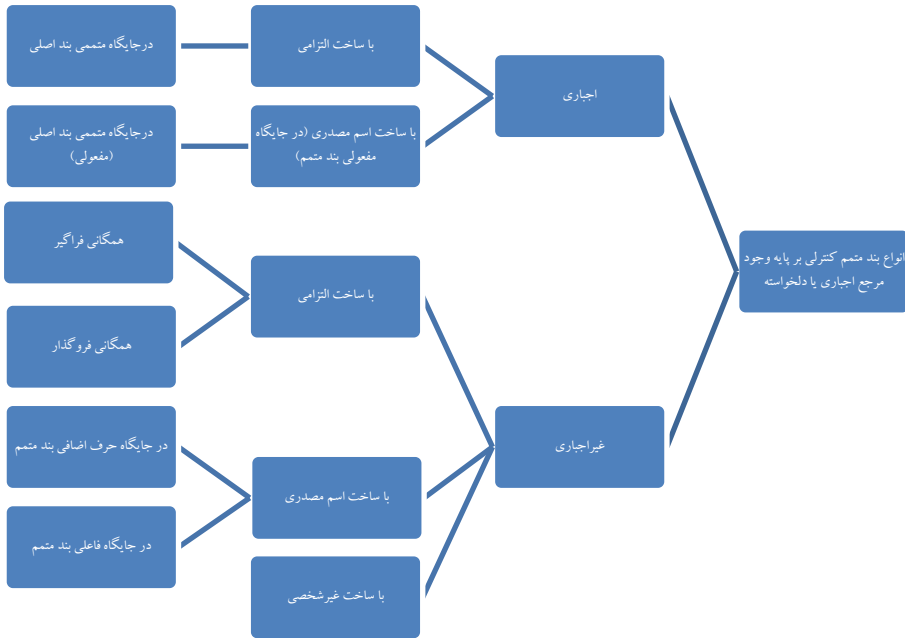
در این بخش نشان داده می شود که چگونه مبحث های مطرح شده در بخش های دوم تا چهارم، منجر به ارائه چند رده بندی از ساخت های کنترلی بر پایه ساختمان نحوی و معناشناختی بند متمم می شود.

در صورتی که دسته بندی بر پایه خودایستایی بند متمم انجام پذیرد، آن گاه رده بندی زیر را خواهیم داشت.



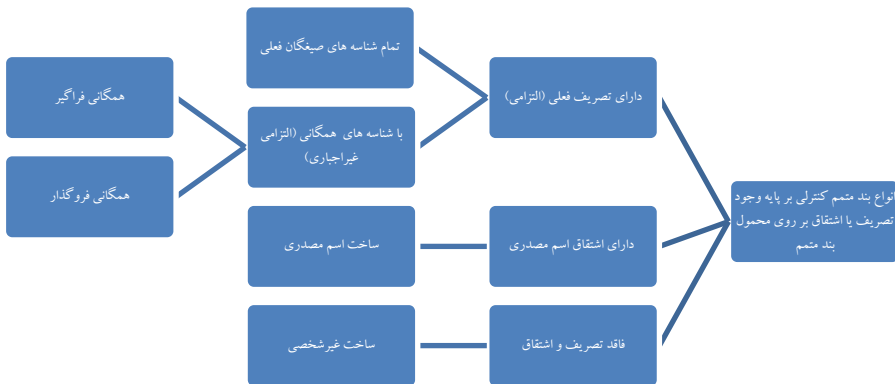
شکل ۱: دسته بندی بر پایه ساختمان بند متمم بر پایه خودایستایی

اکنون، اگر این دسته بندی بر پایه انواع کنترل به اجباری و غیر اجباری باشد، دسته بندی زیر را خواهیم داشت:



شکل ۲: دسته‌بندی ساخت کنترل بر پایه ساخت کنترلی اجباری و غیر اجباری

همچنین، در صورتی که محمول بند متمم کنترلی بر پایه داشتن، و یا نداشتن ساخت‌واژه (شامل شناسه فعلی و یا پسوند اشتقاقی بر روی محمول کنترلی) دسته‌بندی شود، نمودار زیر پدیدار می‌شود.



شکل ۳: انواع بند متمم کنترلی بر پایه وجود تصریف فعلی و یا اشتقاق اسم‌ساز

در ادامه، برای هر یک از دسته‌بندی‌ها در نمودارهای بالا، یک جمله نمونه به همراه نوع ساخت بند متمم و نوع ضمیر مستتر موجود در آن ساخت ارائه می‌شود. در هر یک از نمونه‌ها، جایگاه بند متمم در بند پایه به همراه ساخت درونی آن بند درون کمانه نشان داده شده‌است. نوع ضمیر مستتر در این نمونه‌ها به دو صورت PRO (برای کنترل اجباری) و PRO_{Arb} (برای کنترل دل‌خواسته) آمده‌اند. دسته‌بندی‌های زیرشاخه‌ای درون هر یک از جدول‌ها به صورت زیرنویس نشان داده شده‌اند. نشانه * نشان‌دهنده نبود این دسته‌بندی در زبان فارسی است.

جدول ۱: نمونه‌های انواع کنترل به همراه ساخت نحوی و معناساختی آن‌ها

بند غیر شخصی	بند ناخودایستا (اسم مصدری)	بند خودایستای التزامی	
*رضا [PRO] [رو] دانشگاه رفت [رو] دوست داره.	در جایگاه مفعولی: رضا [PRO] دانشگاه رفتن [رو] دوست داره.	رضا دوست داره [PRO] دانشگاه بره.	کنترل اجباری
	در جایگاه حرف اضافی: رضا [از] [PRO] دانشگاه رفتن [[بیزاره].		
باید [PRO _{Arb}] دانشگاه رفت [رو].	در جایگاه فاعلی: [PRO _{Arb}] دانشگاه رفتن [خوبه].	همگانی فراگیر: [PRO _{Arb}] بری دانشگاه خوبه [رو].	کنترل غیر اجباری
		همگانی فروگذار: [PRO _{Arb}] برن دانشگاه خوبه [رو].	

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و دسته‌بندی انواع ساخت‌های کنترلی زبان فارسی بر پایه ساختمان نحوی و معناساختی بند متمم پرداخت تا نشان دهد که بند متمم در ساخت کنترلی در این زبان محدود به یک ساخت نمی‌شود. نخست، این کار با گردآوری انواع نمونه‌های ارائه شده در آثار پیشین کنترلی پی گرفته شد. سپس، یک گروه از بندهای متممی کنترلی با نام بندهای خودایستای التزامی شناسایی و دسته‌بندی گردیدند. گروه دوم از راه پیدا کردن بندهایی انجام گرفت که در برخی از آثار کنترلی به صورت حاشیه‌ای معرفی شده بودند. معرفی کامل این دسته به همراه رفتار نحوی و معناساختی این گروه از بندهای متممی کنترلی از راه درست کردن بندهای کمینه (یعنی بندهای خودایستای التزامی، که در گروه اول شناسایی شده بودند، و تعمیم دادن آن ساخت در این گروه جدید از بندهای متممی) توصیف شدند. به این ترتیب، بندهای متممی ناخودایستای اسم مصدری

شناسایی شدند. گروه سوم از بندهای متممی کنترلی، هنگامی شناسایی شدند که ساخت کنترلی غیراجباری زبان فارسی، که دارای خوانش دل‌خواسته‌است و بیشتر به صورت ناخودایستای اسم مصدری ساخته می‌شود، به صورت خودایستای التزامی تعمیم و بازنویسی شدند. رفتار معناشناختی این گروه از بندهای متممی کنترلی نشان داد که این ساخت‌ها، فقط هنگامی خوش ساخت می‌مانند که (۱) فاعل نحوی آن‌ها نمود آوایی نداشته باشد؛ (۲) فعل چنین بندی دارای شناسه دوم شخص مفرد و یا سوم شخص جمع باشد. از آن جا که ساخت این گروه از بندهای کنترلی الزاماً وابسته به رعایت دو بند بالاست، این گروه از بندهای کنترلی، بند التزامی همگانی نام گرفتند و برخی از ویژگی‌های معناشناختی و کاربردشناختی این گروه معرفی شدند. چهارمین گروه از بندهای متممی کنترلی زبان فارسی هنگامی ایجاد شد که ساختمان ساخت‌وازی فعل بند متمم از هرگونه تصریف و اشتقاق (شامل شناسه‌های فعلی التزامی و اشتقاق اسم مصدر ساز تن/دن) تهی شدند. این گروه از بندهای متممی، چنانچه ساخت کنترلی داشته باشند، همان ساخت‌های غیر شخصی-اند، که همواره ستاک فعلی آن‌ها فاقد شناسه شخص (و شمار) است. سپس با بررسی بندهای متممی در بندهای غیر متممی نشان داده شد که این بندهای افزوده، یا در زبان فارسی یافت نمی‌شوند و یا به یکی از گروه‌های چندگانه بالا تعلق دارند. هنگام توصیف ساختاری هر یک از بندهای متممی، دسته‌بندی‌های زیرشاخه‌ای تری نیز ارائه شدند. در پایان، با رسم سه نمودار و یک جدول، دسته‌بندی‌های بند متمم کنترلی در زبان فارسی به تصویر کشیده شدند تا افزون بر ایجاد دسته‌بندی، نمونه‌های شاهد برای هر رده ایجاد شود.

فهرست منابع

- پیروز، محمدرضا (۱۳۸۶). *ساخت‌های کنترلی زبان فارسی*. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- پیروز، محمدرضا. (۱۳۸۹). «بازنگری در ویژگی‌های تعبیری ضمیر مستتر». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. دوره ۳. شماره ۳. صص ۵۷-۹۳.
- پیروز، محمدرضا. (۱۳۹۵). *حالت نحوی ضمیر مستتر. زبان‌پژوهی*. دوره ۱۸. شماره ۸. صص ۲۳-۵۹.
- متولیان نائینی، رضوان. (۱۳۹۰). «خودایستایی و مقوله تهی در ساخت کنترل اجباری زبان فارسی».
- پژوهش‌های زبان‌شناسی*. دوره ۲. شماره ۳. صص ۸۵-۱۰۲.
- متولیان نائینی، رضوان. (۱۳۹۴). «توزیع ضمیر مستتر در ساخت کنترل اجباری زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. دوره ۶. شماره ۱. صص ۲۵۳-۲۸۰.
- درزی، علی و رضوان متولیان نائینی (۱۳۹۴). «توزیع ضمیر مستتر در ساخت کنترل اجباری زبان فارسی».
- جستارهای زبانی*. دوره ۱. شماره ۶. صص ۲۵۳-۲۸۰.

- مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). «بررسی ضمیر پنهان در زبان فارسی و برخی نتایج نظری آن». مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان شناسی. به کوشش محمد دبیرمقدم و سید ابراهیم کاظمی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۷۴۸-۷۵۹.
- معین زاده، احمد و ابوالفضل مصفا جهرمی. (۱۳۸۸). «ضمیر انتزاعی PRO در فارسی: سازه‌ای ممکن». *زبان شناسی و گویش‌های خراسان*. دوره ۱. شماره ۱. صص ۲۳-۴۹.
- نجفیان، آرزو و محمدمهدی واحدی لنگرودی. (۱۳۸۲). «دسته‌بندی ساخت‌های غیر شخصی در زبان فارسی». *آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۶۷. صص ۱۸-۲۴.
- نعمت زاده، شهین. (۱۳۷۳). *پژوهشی در علم شناخت و پردازش نحوی زبان فارسی*. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران.

References

- Alboiu, G. (2004). Shared arguments in control. *Toronto Working Papers in Linguistics*, 2, 53-74.
- Alboiu, G. (2007). Moving forward with Romanian backward control and raising. In W. D. Davies & S. Dubinsky (Eds.), *New horizons in the analysis of control and raising* (pp. 187-211). Dordrecht, The Netherlands: Springer.
- Alexiadou, A., Anagnostopoulou, E., Iordachioaia, G., & Marchis, M. (2012). In support of long distance agree. In A. Alexiadou, T. Kiss, & G. Müller (Eds.), *Local modelling of non-local dependencies in syntax* (pp. 85-109). Berlin: De Gruyter.
- Chomsky, N., & Lasnik, H. (1993). The theory of principles and parameters. In J. Jacobs, A. von Stechow, W. Sternefeld & T. Vennemann (Eds.), *Syntax: An international handbook of contemporary research* (pp. 506-569). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. USA: John Wiley & Sons.
- Darzi, A. (2001). Nonfinite control in Persian. *Studies in Linguistic Sciences*, 31(2), 21-31.
- Darzi, Ali. (2008). On the vP analysis of Persian finite control constructions. *Linguistic Inquiry*, 39, 103-115.
- Darzi, Ali., & Motavallian, R. (2010). The minimal distance principle and obligatory control in Persian. *Language Sciences*, 32(4), 488-504 [In Persian].
- Dobrovie-Sorin, C. (1994). *The syntax of Romanian: Comparative studies in Romance*. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Geber, D., & Tonciulescu, Keren C. (2007). Moody subjects in Romanian. *Proceedings of the 2007 Annual Conference of the Canadian Linguistic Association*. University of Saskatchewan, Saskatoon, Canada. Retrieved from <http://homes.chass.utoronto.ca/~cla-acl/actes2007/Geber_Tonciulescu.pdf>
- Ghomeshi, J. (2001). Control and thematic agreement. *Canadian Journal of Linguistics*, 46, 9-40.
- Hashemipour, P. (1988). Finite control in Modern Persian. In H. Borer (Ed.), *Proceedings of the 7th Meeting of the West Coast Conference of Formal Linguistics* (pp. 115-128). Stanford, CA: CSLI Publications.
- Hashemipour, M. (1989). *Pronominalization and control in Modern Persian*. (PhD dissertation). University of California, California, USA.
- Hornstein, Norbert. (1999). Movement and control. *Linguistic Inquiry*, 30, 69-96.
- Hornstein, N. (2003). On control. In R. Hendricks (Ed.), *Minimalist syntax* (pp. 6-81). New Jersey: Blackwell Publishing.
- Ilkhanipour, N. (2014). On the CP analysis of Persian finite control constructions. *Linguistic Inquiry*, 45(2), 323-331.

- Jordan, M. (2009). *Loss of infinitival complementation in Romanian diachronic syntax*. University of Florida, Florida, USA.
- Kapetangianni, K. (2010). *The minimalist syntax of control in Greek*. (PhD dissertation). University of Michigan, Michigan, USA.
- Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. Berlin: Walter de Gruyter.
- Karimi, S. (2008). Raising and control in Persian. In S. Karimi, D. Stilo, & V. Samiian (Eds.), *Aspects of Iranian linguistics* (pp. 177-208). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.
- Krapova, I. (1998). Subjunctive complements, null subjects, and case checking in Bulgarian. *University of Venice Working Papers in Linguistics*, 8, 73-93.
- Krapova, I. (2001). Subjunctives in Bulgarian and Modern Greek. In M. L. Rivero and A. Ralli (Eds.), *Comparative syntax of Balkan languages* (pp. 105-126). Oxford: Oxford University Press.
- Landau, I. (2001). *Elements of control: Structure and meaning in infinitival constructions*. Berlin: Springer Science & Business Media.
- Landau, I. (2004). The scale of finiteness and the calculus of control. *Natural Language & Linguistic Theory*, 22(4), 811-877.
- Landau, I. (2013). *Control in generative grammar: A companion*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lee, K. Y. (2009). Finite control in Korean (PhD dissertation). University of Iowa, Iowa, USA.
- Meshkatoddini, M. (2000). The study of PRO in Persian and some of its theoretical consequences. In M. Dabir Moghadam & E. Kazemi (Eds.), *Proceedings of the Fifth Conference of Linguistics* (pp. 748-759). Tehran: Allameh Tabatabai University Press [In Persian].
- Moinzadeh, A., & Jahromi, A. M. (2009) PRO in Persian: A possible construction. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 1, 23-49 [In Persian].
- Motavallian Naeini, R. (2011). Finiteness and the empty category in Persian OC constructions. *Researches in Linguistics*, 2 (3), 85-102 [In Persian].
- Motavallian Naeini, R. (2015). Distribution of PRO in Persian OC Constructions. *Language Related Research*, 6(1), 253-280 [In Persian].
- Najafian, A., & Vahedi-Langrudi, M. M. (2003). The classification of impersonal constructions in Persian. *Journal of Teaching English Language and Literature*. 67, 18-24 [In Persian].
- Nematzadeh, S. (1994). An investigation in cognitive science and the Persian syntax processing (PhD dissertation). University of Tehran, Tehran, Iran [In Persian].
- Oshima, S. (2003). Subjunctives and subject obviation (Part I). *Journal of Inquiry and Research*, 78, 1-21.
- Oshima, S. (2004). Subjunctives and subject obviation (Part II). *Journal of Inquiry and Research*, 79, 1-19.
- Philippaki-Warbuton, I., & Catsimali, G. (1999). On control in Greek. In A. Alexiadou, G. Horrocks, & M. Stavrou (Eds.), *Studies in Greek Syntax* (pp. 153-168). Dordrecht, the Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
- Pirooz, M. (2008). *Control constructions in Persian* (PhD Dissertation). University of Tehran, Tehran, Iran [In Persian].
- Pirooz, M. (2010). Interpretive properties of PRO revisited. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 3 (3), 57-93 [In Persian].
- Pirooz, M. (2011). Finite control in Persian. In K. Agnes, G. Haig, S. Karimi, & P. Samvelliian, (Eds.), *Topics in Iranian Linguistics* (pp. 183-196). Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Pirooz, M. (2016). The Case of PRO in Persian. *Journal of Language Research*, 8 (18), 23-59 [In Persian].

- Potsdam, E., & Maria P. (2007). Missing complement clause subjects in Malagasy. *Oceanic Linguistics*, 46, 277-303.
- Roussou, A. (2009). In the mood for control. *Lingua*, 119(12), 1811-1836.
- Sevdali, Ch. (2009). Control into CPs: when finiteness doesn't matter. *MIT Working Papers in Linguistics*, 57, 251-266.
- Sevdali, Christina. (2013). Ancient Greek infinitives and phases. *Syntax*, 14, 324-361.
- Spyropoulos, Vassilios. (2007). Finiteness and control in Greek. In W. Davies & S. Dubinsky (Eds.), *New horizons in the analysis of control and raising* (pp.159-183). Dordrecht, The Netherlands: Springer.
- Taleghani, A. (2005). Is PRO_{nrh} the same as pro? Evidence from Persian impersonal constructions. In A. Siddiqi & B. V. Tucker(Eds.), *Coyote papers: Working papers in linguistics, Linguistic theory at the University of Arizona* (Vol. 14, pp. 144-159). Arizona: University of Arizona Linguistics Circle
- Taleghani, A. H. (2008). *Modality, aspect and negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Terzi, A. (1991). PRO and obviation in Modern Greek subjunctives. In D. Bates (Ed.), *Proceedings of the West Coast Conference on Formal Linguistics* (Vol. 10. pp. 471-482). Stanford: CSLI Publications.
- Terzi, A. (1992). PRO in finite clauses: A study of the inflectional heads of the Balkan languages(*Ph.D. dissertation*) City University of New York, New York, USA.
- Terzi, A. (1997). PRO and null case in finite clauses. *Linguistic Review*, 14, 335-360.

The Classification of the Type of Embedded Clauses in Control Constructions in Persian

Mohammadreza Pirooz¹

Received: 13/01/2020

Accepted: 03/10/2020

Article Type: Research

Abstract

Under the infinitive constructions in languages like English, the analysis of embedded control constructions, especially prior to the onset of the Minimalist Program (Chomsky & Lasnik, 1993), was typically confined to the study of a special group of English-type infinitival constructions whose subject position was occupied by PRO. Prior to this era, languages that lacked infinitive constructions, and/or alternatively used other constructions to host control and PRO, were considered marginal to the mainstream generative tradition of that era. These otherwise constructions posed challenging questions to the mainstream theory of *non-finite* control and PRO in infinitives.

Nonetheless, with the advent of Minimalism, other clause types, were put in the agenda. Generally, control construction with PRO could also appear in finite and/or subjunctive clauses (Kapetangianni 2010; Landau, 2004, 2013; Lee, 2009; Roussou, 2001; Spyropoulos 2007; Terzi, 1993, 1997).

The aim of present study, however, is to classify Persian control constructions according to the type of embedded clause that can host. More specifically, the results of the current study shows that there are several types of control constructions in Persian: embedded finite subjunctives, with two variant forms in obligatory and non-obligatory control environments, embedded gerundive clauses, hosting both obligatory and non-obligatory environments, and a special group of impersonal constructions hosting only non-obligatory control constructions.

Methodologically, the current study follows the three approaches: a) the reintroduction of the already attested constructions, b) the introduction of new classifications based on the generalizations of the already attested constructions, and c) the probe into other types of embedded clauses that can host control constructions. In what follows, we try to follow the approach above.

¹PhD, Linguistics, Assistant Professor in Department of Linguistics, Faculty member in University of Qom, Iran; mr-pirooz@qom.ac.ir & mrpirooz@yahoo.com.

A. Obligatory control into finite subjunctives

Similar to indicatives, these constructions appear with their full clausal specifications. Specifically, they have obligatory person and number endings on the verbal element within their TPs. The verbal element additionally receives a subjunctive mood clitic *be-* to its beginning. Moreover, the embedded clause appears as a CP headed by the complementizer *ke*. This is shown in (1) below.

- (1) Reza_i [PRO_i dus=dar-e] (ke) daneʃgah be-r-e.
 Reza appealing =have-3Sg that university Sbj-go-3Sg
 “Reza likes to go to the university.”

Therefore, these subjunctive control constructions are analogous to the infinitive control constructions found in other languages that have this mood distinction. This category of embedded clause-typing in control environments was classified based on the relevant literature on Persian control (Hashemipour, 1988, 1989; Ghomeshi, 2001; Karimi, 2005, 2008; Taleghani, 2008; Darzi, 2008; Pirooz, 2008, 2010, 2011, 2016; Darzi & Motavallian, 2010; and Ilkhanipour, 2014).

B. Obligatory control into gerundives:

These gerundives are classified based on Darzi (2001) and a few other suggestions appearing marginally in under the category of subjunctive control including Ghomeshi, (2001), and Hashemipour (1989). The verbal element in these constructions undergoes the nominalization process, with the derivational ending *-æn* appearing to the end of the verbal element. These constructions are analogous to the gerundives in other languages like English, and can appear both in the object position and as prepositional object in (2) and (3) respectively.

- (2) Reza_i [PRO_i daneʃgah ræft-an-o] dust=dar-e.
 Reza university go-Ger-Acc appealing have-3Sg
 “Reza likes to go to a university.”
- (3) Reza_i [æz [PRO_i daneʃgah ræft-an]] bizar-e.
 Reza from university go-Ger unappeal-be.3Sg
 “Reza hates going to a university.”

C. Non-obligatory control into gerundives

This new category almost includes no previous literature. Located in the subject position of the matrix clause, these constructions appear as non-obligatory control with PRO having an arbitrary interpretation. Similar to (2) and (3) above, the verbal element in these embedded clauses obligatorily includes a nominalization ending *-æn* on the verbal element. The lack of this derivational ending renders the string as ungrammatical.

- (4) [PRO_{Arb} daneʃgah ræft-æn/ *ræft-] xub-e.
 PRO_{Arb} university go-Ger/ go-ø good be-3Sg
 “It is good to go to the university.”

D. Non-obligatory control into subjunctives

This group of control constructions is the result of an analogy with the finite subjunctive. However, can the category of obligatory control in Persian subjunctives (i.e. the group A above) be extended to include non-obligatory control constructions in this language as well? The current study finds the answer positive. Therefore, this new category was introduced into Persian for the first time by this study. These constructions appear as a special type of subjunctive clauses in which the verbal paradigm of the embedded clause is restricted to *second person singular* or *third person plural*, respecting generic interpretation in both. However, the two

verbal endings correspond to the two categories of generic interpretation, as found below:

- a) a generic *inclusive* interpretation with “second person singular ending” on the verbal element,
- b) a generic *exclusive* interpretation with “third person plural ending” on the verbal element.

These categories can be found in (5) and (6) respectively. Phonologically, as it is the case with control construction, the subject position of these embedded subjunctives should be null. Hence, an overt nominal element like *to* “you” in the subject position of these clauses may render the construction *non-control*.

- (5) [PRO_{Arb} / *to be-r-i daneʃgah] xub-e. (Including the speaker)
PRO_{Arb} / you Sbj-go-2Sg university good-be.3Sg
“It’s good if you go /one goes to a university.”

- (6) [PRO_{Arb} / una be-r-æn daneʃgah] xub-e. (Excluding the speaker)
PRO_{Arb} / they Sbj-go-3Pl university good-is
“It’s good if they/ people go to a university.”

These constructions appear only in the informal register of the language, analogous to the class of gerundive non-obligatory control.

E. Non-obligatory control into impersonal constructions

A special category of impersonal constructions, where the verbal element lacks personal endings, can also host non-obligatory control with an arbitrary interpretation of the PRO.

- (7) Bayæd [PRO_{Arb} daneʃgah ræft].
PRO_{Arb}.ought university go-ø
“One ought to go to a university.”

These control constructions basically appear marginally in the literature on impersonal constructions in this language.

Keywords: Control, Finiteness, Subjunctives, Impersonal constructions, Generic pronouns